





طاووس- عید شکرگذاری- هوش و زکاوت- تراوت و شادابی- تسلط بر هنجارها- محمد ابن زکریای راضی- خار و پست- اسرارالتوحید-

تعمل و تفکر- هنجارهای اخلاقی- همیشگی و داعم- بهران میانسالی- مستمع- توطعه های بزرگ- سپند فر و فروغ و فرهیختگی-

منظره روح انگیز- تنین صدای اذان- بی تعارف- سنا گفتن- بغض و دلکش- خواستگاه- تماصیل و صورتک ها- خطاب به اطرافیان-

تلفز کلمات- پند و اندرز- حواس پنجگانه- ارتباط معثر- درازنای تاریخ

**سوال امتیازی: بحرطویل زیر را کامل کنید. (حداکثر ۲ نمره)**

عصر یک جمعه ی دلگیر، دلم گفت بگویم بنویسم، که چرا عشق به انسان نرسیده است؟ چرا آب به گلدان نرسیده است؟ چرا لحظه ی باران نرسیده است؟

.....

.....

.....

عصر یک جمعه ی .....

دلگیر وجود تو کنار دل هر بیدل آشفته شود حس، تو کجایی گل نرگس؟ به خدا آه نفس های غریب تو که آغشته به حزنی است، زجنس غم و ماتم، زده آتش به دل عالم

و آدم مگر این روز و شب رنگ شفق یافته در سوگ کدامین غم عظمی به تنت رخت عزا کرده ای ای عشق مجسم که به جای نم شبنم بچکد خون جگر دم به دم از

عمق نگاهت، .....

.....

.....  
.....  
به همان صحن و سرایی که شما زائر آنی و خلاصه شود آیا که مرا نیز

به همراه خودت زیر رکابت ببری تا بشوم کرب و بلایی، به خدا در هوس دیدن شش گوشه، دلم تاب ندارد. نگهم خواب ندارد، قلمم گوشه ی دفتر، غزل ناب ندارد،

شب من روزن مهتاب ندارد. همه گویند به انگشت اشاره، مگر این عاشق بیچاره ی دلداده ی دلسوخته ارباب ندارد... تو کجایی؟ تو کجایی شده ام باز هوایی، شده ام

باز هوایی.

موفق و پیروز باشید